

فصلنامه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام

شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره پنجم (زمستان ۱۳۹۹)

جایگاه و نقش المان ها در جامعه و هویت شهری

(تاریخ ارسال ۱۳۹۹/۰۵/۲۵ تاریخ پذیرش ۱۴۰۰/۰۲/۲۰)

شهناز صالحی

چکیده

المان های شهری به عنوان عنصر شاخص از شهر ابزاری ارزشمند برای معرفی هویت شهر می باشند. المان ها می توانند آینه ای تمام نما، از هویت و فرهنگ شهر باشند. از آنجایی که توجه به شاخص ها و نمادهای ایرانی-اسلامی، در طراحی معماری شهرها کمتر مورد توجه قرار گرفته و در مقابل استفاده از نمادهای مدرن و ناسازگار با هویت ایرانی-اسلامی افزایش یافته است. امروزه موضوع هویت یکی از بحث برانگیزترین مفاهیم در چند دهه ی اخیر بوده است و به دغدغه ای مهم برای صاحب نظران و برنامه ریزان تبدیل شده است. فضاها و محیط های انسان ساخت خود نماد آینه ایی است که هویت شهری را منعکس می کند. هویت در هر جامعه، نشان از فرهنگ آن جامعه است و فضاهایی همساز با هویت شهری موجب آرامش امنیت و مشارکت شهروندان می شود. فضاهای شهری محل تعاملات اجتماعی است و این تعاملات در مکان هایی دیده می شود که برای شهروندان حس امنیت و حس تعلق را فراهم نمایند. وجود المان های شاخص علاوه بر زیبایی، کیفیت فضا را ارتقا می دهد و این کیفیت است که بر ذهن انسان نقش می بندد و بر حس مکان و خاطرات جمعی شهروندان تاثیر می گذارد. هدف دیگر المان ها، ارتقای کیفیت و ایجاد سرزندگی فضاهای شهری و زیبایی و شادابی است. نصب نشانه های شاخص شهری و کمک گرفتن از ابزارهایی جهت زیباسازی آنها از عوامل مهم ایجاد محیط سالم و با نشاط برای زندگی شهروندان است.

واژگان کلیدی: المان شهری، شهروندان، شهر، فضا، هویت ایرانی، شهر زیبا

بخش اول: المان‌های شهری و هویت بخشی مکانی

لینچ مفهوم "هویت" را در معنای بسیار ساده یعنی "مکان" تعریف می‌کند. هویت یعنی حدی که یک شخص می‌تواند یک مکان را به عنوان مکانی متمایز از سایر مکان‌ها مورد شناسایی قرار دهد به گونه‌ای که شخصیتی منحصر به فرد داشته باشد و هویت را به همراه ویژگی‌های دیگری نظیر ساختار، شفافیت، سازگاری و خوانایی عاملی می‌داند که معنی مکان را در نظر ناظر شکل می‌دهند. ویدو کارکردهایی برای "هویت" قائل است که عبارتند از ۱- به انسان- قدرت تشخیص می‌دهد که بتواند شهر را بخواند و پیش‌بینی کند و به همین دلیل "خوانایی" از مهم‌ترین کارکردهای "هویت" است ۲- عملکرد عاطفی "هویت محیط" است که حس ایمنی به فرد می‌دهد. ۳- نوع هویت یا حس مکان می‌تواند احساس تعلق به همراه داشته باشد و میان مردم و مکان‌ها ارتباط برقرار کند و وحدت بوجود آورد. به نظر او ترکیب بندی در طراحی شهری، ایجاد وحدت بصری میان عناصر متمایز شهر است تا بدین ترتیب تصاویر ذهنی یکپارچه و روشن، تقویت شود. و هدف طراحی شهری ایجاد یک تصویر ذهنی شهری قوی است. این تصویر ذهنی است که مبانی تعامل مردم را با محیط فراهم می‌آورد. (انصاری: ۴۲: ۱۳۹۰)

بخش دوم: تاثیر هویت بخشی المان‌ها در طراحی شهری

درواقع این هویت است که از طراحی المان شهری رمز گشایی می‌کند و آنها را برای درک و خوانایی بهتر قابل پذیرش می‌کند. همین خاطرات جمعی و فردی ناشی از هویتی که در طراحی المان‌های شهری ایجاد می‌شود به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود و در واقع کمک شایانی به حفظ هویت شهروندان، که خود نقش بسزایی در حفظ هویت شهری نیز دارد، میکند. (توسلی: ۵۱: ۱۳۸۹) همان‌طور که می‌دانیم یکی از اهداف طراحی شهری کنترل رفتارهای شهروندان به صورت غیر مستقیم است برای نیل به این هدف طراحان

شهری می‌توانند از راه همین نمادها با مردم ارتباط برقرار کنند با استفاده از مکان طراحان قادر خواهند بود به یکی از اهداف طراحی شهری یعنی اثر گذاری غیر مستقیم بر رفتارهای مردم نزدیک شوند. در صورت بی توجهی طراح به استفاده کننده نمادها یعنی مردم، نماد طراحی شده تبدیل به یک نماد خاصی می‌شود که صرفاً متخصصان و خود طراحان آن را درک کرده و استفاده کننده اصلی بهره‌ای از درک آن نمی‌برد و المان تاثیر هويت بخشی خود را از دست می‌دهد. از اینرو نمادها و المان‌های شهری و عناصر شاخص از عوامل مهم در طراحی معماری و طراحی شهری محسوب می‌شوند که علاوه بر بازگود کردن ویژگی‌های هر شهر تاثیر مهمی در نحوه برخورد و تعاملات شهروندان با یکدیگر و محیط شهری دارد. (توسلی: ۵۴:۵۴:۱۳۸۹)

بخش سوم: ارزش‌ها در طراحی المان‌های شهری

(دکتر بحرینی) معتقد است، ارزش‌ها در طراحی شهری را می‌توان به پنج شکل معرفی کرد. استفاده از این روش‌ها در طراحی المان‌های شهری در جهت ارائه هويت و سیمای شهری مطلوب تر، مناسب می‌باشند. لذا در اینجا به معرفی این ارزش‌ها از دیدگاه طراحی المان‌های شهری می‌پردازیم:

۱- "آن چه را که مردم می‌بینند"، یعنی توانایی درک واقعیت از محیط اطراف به گونه‌ای که صرفاً بعضی مفاهیم عمومی مانند وجود تناسبات زیبا، ترکیبات حجمی مناسب و ترکیب‌های رنگی متعادل و... را درک نماید و احساس لذت را از یک اثر هنرمندانه داشته باشد.

۲- "آن چه را که مردم می‌ستایند"، که به معنی قدرت ستایش، فهم و استفاده از محیط شهری است. در این مورد می‌توان به الگوهای میدان‌های

نایین و یزد اشاره نمود. در حال حاضر برج آزادی تهران از چنین کارکردی برخوردار است. ۳- "آن چه را که مردم می‌توانند استفاده کنند"، به معنی وجود و دسترسی واقعی به فضاهای شهری طی فعالیت‌های روزانه است. در این خصوص طراحی فضاهای شهری می‌تواند مد نظر قرار گیرد که با کمک المان‌های شهری به شکلی هدفمند، ارتباطات روزمره بین مردم را بهتر و مؤثرتر برقرار سازد.

۴- "آن چه را که مردم به خاطر می‌آورند"، منظور یادآوری تجارب خاطرات خوب یا سخت است. به طوری که هدف یادآوری وقایع گذشته که عموماً به صورت انتزاعی نیز می‌باشند، قصد دارد ارزش‌های ماندگار را در اذهان عمومی حفظ نماید. (شربتیان ۱۳۸۷: ۴۲)

المان‌های مرتبط با نیاز روزانه انسان در فضاهای شهری طراحی شوند که در اذهان عمومی به خاطر سپرده شوند.

۵- "آن چه مردم تداعی می‌کنند"، که مربوط می‌شود به جنبه‌های نمادی، فرهنگی، تاریخی و معنوی. در فضاهای شهری به نظر می‌رسد بیش‌ترین کاربرد المان‌های شهری با مفاهیم ذکر شده و در قالب‌های ذیل قابل دسته‌بندی باشد:

- الف: تداعی شخصیت‌های علمی و فرهنگی، ویژگی‌های شخصیتی اسطوره‌ها، قدرت شاه
- ب: تداعی مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی مانند دیانت، شجاعت، حجاب
- ج: تداعی اصالت‌های ملی و بومی از فرهنگ گذشته یک کشور یا منطقه
- د: تداعی ویژگی‌های شاخص جغرافیایی مانند معرفی نوع پوشش گیاهی یک منطقه، رودخانه، کوه، غار و... (شربتیان ۱۳۸۷: ۴۳)

بخش چهارم: مکان یابی المان‌ها و نشانه‌های شهری

محل قرارگیری نشانه یکی از عوامل مهم تعیین میزان تاثیرگذاری و تثبیت آن در ذهن بیننده است و اگر نشانه‌ای در مکان مناسب برای مثال در نقطه‌ای از شهر که مکان بروز برخی اتفاقات است، قرار گیرد، بر قدرت و ثبات آن افزوده می‌شود و بالعکس اگر در خارج از نقاط حساس شهر قرار داشته باشد، ممکن است سبب گمراهی شود. میادین اثر گذارترین فضاهای شهری در ذهنیت شهروندان هستند. معمولاً ساکنان شهر، مناطق مختلف شهر را توسط میادین آن از هم باز می‌شناسند و ساده‌ترین راه دادن نشانی را، راهنمایی از طریق میادین به عنوان نقاط شاخص شهری میدانند از این جهت است که در تصویر ذهنی شهروندان انواع میادین در شهر، حکم گره‌های پرنرنگ را دارند. تأثیر گره‌ها با نشانه بیشتر شده و زمینه‌ای مناسب برای توجه به خود را فراهم کرده و جایی مناسب برای برپاداشتن نشانه به وجود می‌آورند. به اعتقاد (لینچ) بانصب نشانه در محل تقاطع چند راه بر قدرت نشانه افزوده می‌شود. (علاقه بند: ۲۴: ۱۳۷۵)

بخش پنجم: الزامات و ویژگی‌های طراحی شهری در المان‌های شهری

از اصلی‌ترین محورهایی که در طراحی المان‌های یک شهر باید رعایت شود می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- ۱ سرزندگی: یعنی تا چه اندازه عناصر و المان‌ها نیازهای بیولوژیکی و توانایی‌های انسانی را در آن محیط رشد داده، شکوفا کرده و محیطی مناسب ایجاد می‌کند.
- ۲ معنی: یعنی از نظر ذهنی به وضوح قابل شناخت و شناسایی باشد و ساکنین، آن را در زمان و مکان به تجسم در آورند و با ارزش‌ها و مفاهیم جامعه نیز مرتبط باشد.
- ۳ کارایی: یعنی طرح مورد نظر نسبت به ارائه اهداف و مفاهیمی که در پس آن قرار دارد از جامعیت کافی برخوردار باشد.

۴ زیبایی: المان طراحی شده باید علاوه بر کارایی از زیبایی بصری لازم نیز برخوردار باشد.

۵ تناسب: یعنی این که شکل و اندازه المان ها با الگو و فرم ذهنی افراد نسبت به آن منطبق باشد.

۶ دسترسی: یعنی دسترسی حداکثری افراد، خدمات، اطلاعات و اماکنی که به نحوی با آن مرتبط هستند مقدور باشد.

۷ شفافیت و خوانایی: یعنی المان طراحی شده از وضوح کافی برخوردار بوده و ارتباط صریحی با مفاهیم و ارزش های غیرفضایی برقرار نماید.

۸ صرفه اقتصادی: یعنی طراحی و ساخت المان مورد نظر از توجیه اقتصادی لازم برخوردار باشد.

۹ رعایت مقیاس : همچنین در هنگام طراحی المان ها برای مناطق باید دقت کرد که مقیاس المان متناسب با مقیاس آن منطقه است یا نه ؟ اگر المانی بزرگ مقیاس در منطقه قرار گیرد، ممکن است مکان را بی روح کند و به یک عامل ضعف در آن مکان تبدیل شود. (علاقه بند: ۶۸: ۱۳۷۵)

می توان مسئله هویت را مسئله ی "معنا" دانست. پرسش از "چیستی و کیستی" افراد و جوامع، در رابطه با "معناداری" شکل می گیرد. هر گونه تلاشی برای آرایه تعریف از هویت یک چیز، پاسخ به معنای آن است. هر وجودی قبل از موجود شدن، فاقد معناست ؛ اما با شکل گیری آن، معنایی را به خود اختصاص می دهد که بر حسب آن هویت می یابد. (رهبری: ۱۶: ۱۳۹۲)

در تعریف هویت در فرهنگ دهخدا چنین آمده است: "ویژگی یا کیفیتی که موجب تمایز و شناسایی کسی از دیگران شود." و درباره ی شهر و شهروند آمده است ؛ شهر :

مجموعه ی بسیار از خانه ها و عمارات و خیابان ها و کوچه ها که در ناحیه ای محدود قرار دارند.

شهروند : در تداول، کسی که جزو یک شهر (یا ناحیه یا کشور) به حساب بیاید و تابع مقررات آن باشد و از حقوق آن برخوردار گردد.» در مواجهه با چنین تعاریفی این انتظار به وجود می آید که هر شهری دارای ویژگی هایی باشد که آن را از سایر شهرها متمایز کند. این شهر بایست در محدوده ای قرار گیرد و ساکنان آن در عین آن که تابع مقررات آن شهر هستند ؛ از حقوقی برخوردار باشند. (رهبری :۱۷:۱۸:۱۳۹۲)

برای شناخت هویت یک شهر می باید مولفه های سازنده ی شخصیت آن را شناخت. مولفه های شخصیت یک شهر، همانند مولفه های شخصیتی انسان دارای دو بعد عینی یا کالبدی و ذهنی یا روحی است که می تواند از طریق سه محیط طبیعی، مصنوع و انسانی از همدیگر تفکیک گردند. متغیرهای هر یک از این مولفه ها، چنان چه دارای صفات اختصاصی و برجسته باشند نقش شاخص و معرف هویتی را ایفا می کنند. کوین لینچ در شکل خوب شهر، هفت ارزش یا معیار را برای سنجش شکل خوب شهر مطرح می کند، شامل سرزندگی، معنی، تناسب، دسترسی، نظارت و اختیار، کارایی و عدالت. نامبرده هر یک از این معیارها را با معیارهای ریزتری توضیح داده و سنجش می کند. معیار یا سنجه معنی شامل پنج زیر عنوان است : ساختار، هویت، شفافیت، سازگاری و خوانایی. هویت و ساختار از اجزای شکلی و ریخت شناسانه معنی هستند. این دو جنبه، جنبه هایی از شکل را توضیح می دهند که به ما امکان می دهند فضا و زمان را شناخته و در قالب الگوهای خود معرفی کنیم. (۱۳۸۷:۳۸:بهزادفر)

هر شهری از جایگاه ویژه ی طبیعی برخوردار است که آن را از سایر شهرها متمایز می کند. ویژگی های بستر طبیعی هر شهر بخشی از هویت شهر را به تصویر می کشد که در

قالب هویت طبیعی شهر قابل تعریف است، از آن جمله می توان به رشته کوه ها، کویر و.... اشاره کرد.... مولفه های مصنوع هویت هر شهر به صورت ساختاری - کالبدی در لایه های مختلف زمان بر فضای شهر تبلور دارند. شامل : (۱) منظر عمومی شامل کلیت فرم شهر با دیدی که وضعیت شهر را از گذشته تا شرایط موجود نشان می دهد.

(۲) عناصر خطی - ساختاری شاخص شامل خیابان های اصلی ساخت شهر

(۳) شاخص های کانونی و نطقه ای شهری، میدین. دروازه ها پارک ها

(۴) شاخص های خطی - نقطه ای، تاریخی و کالبدی شامل کاخ ها، بازار

(۵) تک بناهای شاخص شهری

(۶) توده ها، حوزه ها، فضاهای شاخص شهری : محلات قدیمی شهر قدیم، مجموعه ی

ساختمان های مسکونی (بهزادفر: ۳۹:۱۳۸۷)

هویت کالبدی: عدم تناسب شکل و فرم ساختارهای موجود در شهر؛

هویت محتوایی: نوع کارکرد، عملکرد و یا بهره برداری نامناسب از فضاها و ساختارهای

موجود در شهر.

فرم یا شکل در شهرسازی و معماری، می بایست بیانگر روح زمان و فرهنگ رفتاری

مردمانی باشد که طی یک دوره آن را پدید آورده اند. هر معماری فرمی را تولید می کند، که

این فرم در ارتباط با ویژگی های زمینه مکان معماری است؛ یعنی هویت کالبدی هر اثر

معماری در ارتباط مستقیم با هویت محتوایی بستر آن معماری است. بنابراین در شهر

اسلامی، فرم (هویت کالبدی) به تبع معنا (هویت محتوایی) تعریف می شود و کالبد، هویت

خود را از محتوا اخذ می کند و این متأثر از بنیان های نظری هنر و معماری اسلامی است که

در آن نسبت قالب و محتوا همچون نسبت روح و کالبد است. (بمانیان: ۱۳۸۹: ۶)

بخش ششم: هدف از هویت شهری

الف - شناساندن و معرفی عناصر و اجزای فرهنگ‌های قومی، بومی و منطقه‌ای

ب - ایجاد انگیزه برای گسترش فعالیت‌های فرهنگی در مناطق مختلف کشور در جهت ارتقا و رشد متوازن شاخص‌ها و عناصر فرهنگ عمومی و تحکیم هویت دینی - ملی و همبستگی اجتماعی

ج - تمرکز بخشی و ساماندهی فعالیت‌ها و برنامه‌های مربوط به عناوین فرهنگی اختیار شده

د - زمینه‌سازی اصلاح یا ارتقا فرهنگی شهر یا منطقه مورد نظر در ابعاد یا اجزا خاص فرهنگی متناسب با عنوان مدنظر

هـ - الگودهی و استفاده از ظرفیت‌های هویت فراملی و هویت بخشی به قومیت‌ها و فرهنگ‌های کشورهای همسایه که دارای سوابق مشترک فرهنگی و نیروهای بالقوه مبارزه با نظام سلطه بین‌المللی هستند به خصوص عطف توجه همسایگان شهرهای مرزی کشور نسبت به اجزاء و ابعاد انقلاب اسلامی (توسلی: ۱۳۸۹:۸۷)

بند اول: شاخص‌ها و معیارها

شاخص‌ها و معیارهایی مد نظر قرار گیرد که عبارتست از:

الف- وجود شخصیت‌ها و مفاخر برجسته در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی.

ب - وقوع جریان‌ها و حرکت‌های مهم تأثیرگذار فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی.

ج - وجود آثار، بناهای تاریخی، جاذبه‌های طبیعی و زیست‌محیطی قابل توجه.

د - موقعیت و اهمیت سوق الجیشی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جهت برقراری ارتباط با دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها.

ه- انجام برنامه‌ها و فعالیت‌های چشمگیر در زمینه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی

و - بهره‌مندی از امکانات و مقدرات ممتاز و قابل توجه در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی متناسب با عنوان مورد نظر.

ز - توصیف‌ها و عناوین به کار رفته در کلام امام و رهبری

ح - ویژگی شهر یا منطقه نسبت به دفاع مقدس تا به امروز

ط - ویژگی شهر نسبت به سیر حرکت انقلاب اسلامی تا به امروز.

ی - وجود توانمندی‌ها و قابلیت‌ها و ظرفیت‌های هنری و فرهنگی (توسلی: ۹۰:۱۳۸۹)

بخش هفتم: اهمیت و ضرورت وجود هویت در فضاهای شهری

آموزه‌های شهروندی از طریق تقویت نشانه‌ها و نشانه‌های شهری از ارکان مهم رشد هویت شهری و ارزش‌های فرهنگ بومی و منطقه‌ای محسوب می‌گردد. آموزش نمادها و نشانه‌های شهری از سوی مدیریت شهرها در قالب مهارت‌های زندگی به صورت غیرمستقیم به یادگیری حفظ الگوهای حاکم بر فرهنگ و سرمایه‌های شهری منجر به خواهد شد. نشانه‌های شهری امروزه نقش مهمی در تقویت وجدان اجتماعی جامعه شهری می‌تواند داشته باشد، ویژگی‌های شهروند محوری را به صورت نهادینه شده تحکیم می‌بخشد. مهارت‌های شهروندی و الگوهای بصری آن «اول: موجب شناخت زندگی اجتماعی - فرهنگی - مدنی در کشور می‌شود که جزء اولین اصول مهارت‌هایی است که باید مورد اهتمام مدیریت شهری قرار گیرد. دوم: بخش دیگری از این مهارت‌ها شامل سلامت فکری،

ذهنی، فرهنگی، شهری است، که باید مدیریت شهری اینگونه مهارت‌ها را به شهروندان یک جامعه در قالب برنامه ریزی‌های شهری ارائه دهد، تا از این طریق سطح رضایت شهروندان را در پی داشته باشد. سوم: این نشانه‌ها و نشانه‌های شهری باید در راستای استحکام قانون مداری و اخلاق محوری شهروندان را به نهادینه شدن فرهنگ رفتاری و اجتماعی تقویت نمایند. چهارم: وجود نشانه‌های شهری باید در جهت تقویت مناسبات اجتماعی، همدلی، همدردی، سرمایه‌های اجتماعی، ارتباطات انسانی بصورت برابر محور بین شهروندان یک جامعه بسط یابد. پنجم: مدیریت شهری باید شهروندان جامعه را با هویت اجتماعی و فرهنگی شهر از طریق ابزارهای مختلف از جمله نمادها و نشانه‌های فرهنگ حاکم شهری پرورش دهد، ششم: حاکمیت شهری در قالب سازمان‌ها، انجمن‌های اجتماعی و فرهنگی باید شرایطی را فراهم کنند که شهروندان بتوانند به درستی هویت شهری خود را بشناسند و در راستای تحقق آرزوها، و سعادت اجتماعی شهری خود گام بردارند.» (صدیق سروستانی، ۱۳۹۱: ۱۷۲) بر اساس چنین آموزه‌ها و اصولی که بیان شد می‌توان گفت که در واقع استمرار و طراحی نشانه‌های شهری نقش بسیار مهمی در توسعه پایدار شهری دارد، در واقع طراحی این عناصر زیباسازی در یک جامعه باعث این شده که تمام اعضای جامعه از حس شهروندی مثبتی بصورت ملی- محلی برخوردار باشند.

ضرورت نشانه‌های شهری در یک جامعه باعث این شده که " نظام مشارکتی"، " هویت شهری" و " حس تعلق اجتماعی به شهر" در وضعیت ارتباطات اجتماعی و انسانی شهروندان اثرگذار باشد، بر این اساس تقویت سواد بصری معطوف به تفاهم و تعامل روانی شهروندان بسیار با اهمیت خواهد بود. « به تعبیر تورنی در حوزه جامعه‌شناسی وجود نمادها و نشانه‌های شهری فرایند انتقال دانش‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌های لازم برای مشارکت پایدار شهری را از یک نسل به نسل دیگر فراهم می‌کند. این انتقال شامل موارد مختلفی

نظیر: سواد مدیریتی، احساس وفاداری به هویت شهری، نگرش مثبت به اقتدار مدیریتی، باور به ارزش های بنیادی مدیریت شهری، علاقه به مشارکت پایدار و کسب مهارت های لازم برای فهم سیاست های عمومی شهر و نظارت بر آن ها را فراهم می نماید.» (شارع پور، ۱۳۸۶:۳۱۷) جامعه شناسان از آموزش این مولفه در هر جامعه ای به دنبال انتقال مجموعه ای از دانش ها، ارزش ها و جهت گیری های رفتاری ضروری برای دوام جامعه، و انتقال آن به نسل جوان خواهند بود، لذا آموزش های شهروندی از طریق نمادها و نشانه های شهری به دنبال نهادینه شدن فرهنگ مدنی است. (شارع پور: ۱۳۸۶:۳۱۸) مهارت های شهروندی از طریق بسترسازی نشانه ها در سطح شهر باعث شده که شهروندان در برخورد با مسائل جمعی و اجتماعی رفتارهای نوع دوستانه، اخلاقی نسبت به یکدیگر پیدا نمایند. یادگیری شاخص های رفتار شهروندی به افزایش کیفیت زندگی جمعی و تقویت سرمایه اجتماعی شهر کمک شایانی می کند؛ در واقع تربیت شهروندان از طریق آموزش رفتارهای شهروندی در قالب شاخص های اخلاقی، اجتماعی باعث بهبود عملکرد افراد جامعه در شهر خواهد شد. آموزه رفتارهای شهروندی در افزایش کیفیت زندگی شهر بسیار اثرگذار است، این آموزه ها به تقویت اخلاق و همبستگی اجتماعی یک جامعه در سطح "محلی- ملی و جهانی" منجر به خواهد شد، چنین اشاعه ای از طریق زیباسازی از جمله طراحی و نصب نشانه های شهری در نقاط مختلف محلات شهری باعث شکل گیری هویت شهری و محلی می گردد. در واقع نقش طراحی آموزه های اجتماعی و فرهنگی از طریق نشانه های شهری در قالب شناختی که شهروندان نسبت به فرهنگ شهرنشینی بدست می آورند؛ باعث می شود که هویت های شهری متناسب با فرهنگ حاکم بر جامعه شهری شکل گیرد. (پاکزاد: ۱۳۸۵:۸۱)

طراحی نشانه های شهری بر اساس آموزه های غیرمستقیم شهروندی بخشی از وظایف حوزه مدیریت هنری، فرهنگی و زیباسازی شهری است، که باعث گسترش آگاهی در حوزه

حقوق شهروندی، مهارت‌های زندگی جمعی خواهد داشت؛ در این راستا بخشی از این آموزه‌ها در مورد انتظاراتی باید باشد که از مدیریت شهری درخواست می‌شود طراحی این آموزه‌ها باید متناسب با اصول زندگی شهرنشینی، حقوق شهروندان رعایت مقررات شهری، فرهنگ شهری، تاریخچه شهری و بازتولید هویت شهری باشد. این نشانه‌ها به سمت مدنی کردن زندگی شهری و ارزش‌های فرامادی سوق یابد، و از طریق این آموزه‌ها سعی شود که هویت‌های محلی و فرهنگی را در زندگی اجتماعی مردم بازتولید کرد. (شارع پور ۱۳۸۶:۳۲۰)

نقش رفتاری آموزه‌های شهری در یک جامعه در پنج بُعد خلاصه می‌شود. «الف) نوع دوستی که شامل رفتارهای یاری‌دهنده و کاملاً داوطلبانه به منظور کمک به شهروندان می‌باشد. ب) جوانمردی که در این بعد شهروندان همراه با رفتارهای جوانمردانه خود سعی بر این می‌کنند که خرده‌جویی‌ها و خرده‌گیری‌ها را نسبت به یکدیگر کاهش دهند. ج) خوش‌خویی نمونه دیگری از آموزش رفتارهای شهروندی نسبت به یکدیگر است، که باید به صورت مشارکت فعالانه و مسئولانه بین شهروندان توسعه داد. د) ادب و مهربانی بعد دیگری از رفتارهای شهروندمدارانه نسبت به یکدیگر است، این رفتارها مانع ایجاد مشکل و مساله در محیط‌های مختلف زندگی شهروندان خواهد شد، در واقع نقش و احترام و تکریم یکدیگر شهروندان و رعایت حقوق شهروندان نسبت به یکدیگر در گسترش این نقش رفتاری بسیار موثر است. ه) وظیفه‌شناسی بخش دیگری از رفتارهای شهروندمداری است که باید در قالب برنامه‌های آموزشی به شهروندان جامعه آموزش داد که این بعد تلاشی فراسوی الزامات رسمی است که هر فردی باید در جهت همیاری همکاری و توسعه همه جانبه خود در خود بوجود آورد.» (ربانی و همکار، ۱۳۸۱: ۵۸) با توجه به این مباحث، این پدیده اجتماعی و فرهنگی رابطه تنگاتنگی با رفتارهای اخلاقی دارد، براین اساس نهادینه

کردن آموزه‌های شهری از طریق نصب نشانه‌های شهری منجر به بروز شرایط یگانگی و هبستگی اجتماعی شده است. نقش این آموزه‌های مدنی در جوامع امروز باعث تقویت مشوق‌هایی چون "احساس برادری، هم‌نوعی، تعهد و مسئولیت‌پذیری و..." خواهد شد. نقش این آموزه‌ها در جامعه ارتقاء دلبستگی فرهنگی بالای شهروندان به هویت شهری خواهد شد. (نگارنده: ۱۳۹۴)

بخش هشتم: معماری و شهرسازی بومی و اسلامی

شهرسازی اسلامی مشتمل بر مبانی نظری و تئوری‌های مربوط به اصول و ارزش‌هایی است که باید در طراحی، برنامه‌ریزی و ایجاد محیط زندگی مسلمانان رعایت شوند و بر روابط انسان با محیط (طبیعی یا مصنوع) و همچنین با سایر هم‌نوعان خویش (جامعه) حاکم باشد. این اصول و ارزش‌های از تعالیم اسلامی استخراج شده و در بردارنده عوامل مهم فرهنگ ملی که در تضاد با اصول پیشین نباشند نیز هستند. اجمالاً باید گفت که منبع اصلی اصول حاکم بر کلیه اعمال مسلمانان و از جمله شهرسازی آنها، قرآن کریم و سنت پیامبر هستند. در این متون بر اساس یک سری زمینه‌ها و موضوعات کلی، اصولی برای فعالیت و زندگی انسان قابل استخراج هستند، مانند هدف‌گایی زندگی انسان. این اصول باید با معیارهای حاکم بر عالم وجود که توسط خداوند برپاشده هماهنگ و یا تفسیری از آن باشد. علت این امر، آن است که انسان خلیفه خداوند بر روی زمین بوده و اعمال او باید رنگ الهی به خود گیرد. این اصول کلی حاکم بر عالم وجود براساس تعالیم اسلامی عبارتند از وحدت در کثرت، تجانس، توازن، تعادل، اندازه، هماهنگی و مواردی از این دست که مکتب اصفهان نمونه بسیار خوبی در این زمینه محسوب می‌شود (نقی زاده: ۲۸: ۱۳۸۶). معمولاً در معماری اسلامی چهار عامل مهم تعیین‌کننده می‌باشند: ۱- شرایط آب و هوایی ۲- مواد و مصالح محلی ۳- فرم‌های سنتی ۴- شیوه زندگی و ارزش‌های اسلامی و اجتماعی (شکویی، ۱۸۷: ۱۳۹۱)

اصول و معماری اسلامی که در راس آن معماری اماکن مذهبی و مساجد قرار دارد در ۴ دسته قرار می‌گیرد:

مردم داری: به معنای داشتن مقیاس انسانی است که می‌توان آن را در عناصر مختلف شهرسازی اسلامی مشاهده نمود.

نیارش: به مجموعه چیزهایی که بنا را نگاه می‌دارد نیارش اطلاق شده که شامل استاتیک بنا، علو یا فن ساختمان و مصالح، شناسی، آن، است.

خود بسندگی: بدین معنا که سازندگان بنا سعی می‌کنند مصالح مورد تیز را از نزدیک ترین مکان‌ها با ارزان ترین بها به دست آورند.

درون گرایی: در ساخت یک بنا و نحوه ارتباط آن با فضای خارجی لحاظ می‌گردد. به این معنا که بنا به گونه‌ای ساخته شود که تمام فضای درونی آن در ارتباط مستقیم قرار گیرند. (پیرنیا، محمدکریم: ۸۵: ۱۳۷۴). تا کنون مفاهیم کلیدی مربوط به تعریف نشانه‌های شهری و رابطه شهر و با آن‌ها، به طور خلاصه معرفی شد. از آن چه گفته شد؛ می‌توان این گونه نتیجه گرفت که شهری دارای هویت مطلوب و متداوم تلقی می‌شود که نشانه‌هایش به طرز مطلوبی شاخص و قابل شناسایی بوده و بستر لازم برای شکل‌گیری، حفظ و یادآوری خاطرات جمعی را فراهم کند. از این رو، چنان چه این نشانه‌ها در ارتباط با ساختار شهر شکل گرفته و انتزاعی از سنت، معیشت، فرهنگ و روابط اجتماعی ساکنین باشند؛ می‌توانند در تصویر ذهنی نسل‌های مختلف ساکنین شهر و متعاقباً در حافظه‌ی جمعی شهروندان آن، جای بگیرند. با این تعبیر، می‌توان وجوه اصلی یک عنصر برای نشانه شدن در فضای شهری را اجمالاً در قالب موارد زیر بر شمرد. هریک از این وجوه، خود از طریق معیارهایی چند، قابل حصول است:

بخش نهم: نمایانی، یا تمایز نسبت به بافت اطراف:

همان گونه که اشاره شد؛ انسان برای تعامل با محیط، از تصویر ذهنی استفاده می‌کند. می‌توان گفت که او با این تصویر ذهنی، نوعی بارگذاری معنایی بر همه‌ی پدیده‌های شهری انجام داده و برای جا به جا شدن و مسیریابی در فضاهاى شهری، از فرایند تفاوت‌یابی استفاده می‌کند. تفاوت‌عاملی است برای تشخیص و هویت یافتن (فکوهی، ۱۳۸۷):

۳۰۲. هر چه قدر یک عنصر، تفاوت و تمایز بیشتری نسبت به عناصر اطرافش داشته باشد؛ پتانسیل بیشتری برای جای گرفتن در تصویر ذهنی تعداد زیادی از ساکنین، به عنوان یکی از نقاط مرجع، خواهد داشت. به این معنی که تمایز و تفاوت با عناصری که در اطراف قرار گرفته‌اند، موجبات وضوح آن عنصر در زمینه و امکان به یاد ماندن آن در ذهن ساکنین را فراهم می‌کند. مطالعات ((لینچ)) نشان داد که این ویژگی کیفیتی در عنصر پدید آورد که وی آن را «نمایانی» می‌نامد. مراد از این کیفیت، در واقع شکل، رنگ و سامانی است که ایجاد تصویری روشن و مشخص با بافتی مستحکم را از محیط زندگی آدمیان میسر می‌سازد. نمایانی زمانی اتفاق می‌افتد که اشیا نه تنها قابل رویت‌اند؛ بلکه، به شدت و به وضوح تمام خود را به تمام حواس آدمی عرضه می‌کنند. هنگامی که عنصری از وضوح و نمایانی بیش‌تر و کامل‌تری برخوردار باشد؛ خود را مشخص‌تر و قابل‌درک‌تر می‌سازد (لینچ، ۱۳۸۷: ۲۵). به بیانی ساده‌تر، نمایانی در تئوری لینچ را می‌توان ترکیبی از توانایی اجزای فیزیکی محیط در ارائه یک تصویر مشخص و توانایی شخص ناظر در انتخاب، پردازش، ذخیره، سازماندهی و معنی بخشیدن به تصویر به صورت ذهنی دانست (حبیبی، ۱۳۸۲):

۱۱. هر عنصر می‌تواند این نمایانی را با استفاده از ویژگی‌های فرمی در خود داشته باشد. از سویی دیگر چگونگی قرارگیری آن در کنار سایر عناصر نیز می‌تواند در به وجود آمدن یا تقویت کردن نمایانی موثر باشد؛ چنان که نشانه‌ای ضعیف در نقاط پراهمیت، بیشتر به یاد می‌ماند تا نشانه‌ای قوی در نقطه‌ای بی‌اهمیت (حق‌گویی، ۱۳۹۰: ۴۱). بنابراین یک عنصر

برای این که تبدیل به نشانه‌ای در فضای شهری بشود، باید هم از جنبه‌ی فرمی و هم از جنبه‌ی مکانی- فضایی شرایط لازم را دارا باشد. این بدان معنی است که این عناصر هم باید به جهت فرمی بیشترین حد از نمایانی را داشته باشند و هم به لحاظ محل قرارگیری در سازمان فضایی شهر شاخص و برجسته باشند. برای دستیابی به نمایانی از طریق هر دوی این جنبه‌ها باید به دنبال متغیرهایی بود که این جنبه‌ها را ایجاد می‌کند. لینچ در مطالعات خود، برای توضیح جنبه فرمی نشانه‌های شهری، واژه‌ی «منحصر بفردی» را به کار برده و از واژه‌ی «برجستگی» برای توضیح جنبه‌های مکانی- فضایی آن‌ها استفاده می‌کند (لینچ، ۱۳۸۷ : ۱۴۴). برای مشخص کردن متغیرهایی که نشان دهنده‌ی عوامل فرمی تاثیرگذار در نشانه شدن یک عنصر در شهر باشد؛ می‌توان از مفهوم فرم و ویژگی‌های آن بهره برد. ویژگی‌هایی از فرم که می‌تواند در ایجاد نمایانی و متعاقباً نشانه شدن عناصر یاری رسان باشند، شکل، اندازه، رنگ و بافت است. هر کدام از این عوامل می‌توانند در متمایز شدن عنصر از بافت اطرافش موثر باشند. در این پژوهش از «تمایز فرمی» برای بیان تفاوت در شکل عنصر و «مصالح» برای بیان نوع بافت عنصر استفاده خواهد شد. در همین حال از «تمایز اندازه‌ای، ارتفاعی و رنگ به کار رفته در نمای بنا» نیز به عنوان متغیرهایی که می‌توانند پتانسیل‌های فرمی لازم را برای نشانه شدن یک عنصر در فضای شهری فراهم کنند؛ استفاده خواهد شد. همان‌طور که گفته شد؛ علاوه بر عواملی که سبب ایجاد تمایز در فرم و کالبد بنا می‌شوند، عوامل زمینه‌ای دیگری وجود دارند که می‌توانند موجبات هر چه بیشتر شاخص و برجسته تر شدن یک عنصر را فراهم کنند. این عوامل با کمک به قرارگیری عنصر در محل مناسبی از ساختار فضایی شهر پتانسیل‌های لازم را برای جای گیری آن در تصویر ذهنی شهروندان فراهم می‌کنند. به نظر می‌رسد عوامل تاثیرگذار در مکان‌یابی یک عنصر می‌توانند همان عوامل مکانی- فضایی باشند. عوامل مکانی- فضایی

تاثیرگذار در افزایش نمایانی یک عنصر در بافت شهری راسه عامل می دانند: «محل قرار گیری عنصر، نحوه ی استقرار. نوع محور مجاور عنصر منظوراز محل قرارگیری عنصر در بافت آن است که هر عنصر در کدام قسمت از بافت شهر قرار گرفته است. بافت شهر را می توان از جهات جغرافیایی، تاریخی، اقتصادی، کاربری و... به قسمت های مختلف تقسیم کرد. نحوه ی استقرار یک عنصر در شهر نشان دهنده ی پیوسته یا منفرد بودن آن با عناصر اطرافش است. در همین حال محورهای ارتباطی در شهرها از درجات متفاوتی از اهمیت برخوردارند. هر چه قدر درجه اهمیت یک محور در شهر بیشتر باشد، دسترسی به آن و عناصری که در ارتباط با آن شکل گرفته اند راحت تر خواهد بود و در عین حال از اهمیت و تشخیص بیشتری نیز برخوردار می شوند. قرار گیری عناصر در مجاورت هر کدام از این راه ها ی ارتباطی شرایط متفاوتی را ایجاد می کند. (پورجعفر و منتظرالحجه، ۱۳۸۹: ۲۴)

محورهای مجاور یک عنصر ممکن است نتوانند عامل نشانه شدن آن باشند اما قطعاً در برجسته ساختن و تقویت آن تاثیر بسزایی خواهند داشت. تمامی ویژگی های بیان شده، به نوعی در تشکیل تصویر ذهنی عناصر شهری در ذهن افراد نقش دارند؛ اما آن چه که از نظر دورمانده، زندگی شهری در شب است. انسان ها برای تعامل با محیط شهری در شب، به تصویر روشن و منسجمی از آن نیاز دارند. برای این که این تصویر ذهنی انهدار شب، عمق و قدرتی هم تراز باتصویر ذهنی آن ها در روز داشته باشد؛ باید ارکان تشکیل دهنده آن به وضوح و شفافیت روز بوده یا جلوه های خاص و متفاوتی نسبت به سیمای شان در روز را به نمایش بگذارد (حقگوئی، ۱۳۹۰: ۸۱). از اینرو نمایانی عناصر در شب، به روش هایی همچون «نورپردازی عناصر در شب» یا نقش پذیری آن ها در حیات شبانه ی شهر، به نحوی که موجب برجسته شدن و نمایانی هرچه بیشتر آنان را فراهم کند؛ از جمله عوامل تاثیرگذار در نشانه شدن آن ها در فضاهای شهری است.

بخش دهم: دلالت مشترک میان شهروندان

هم زمان با نیاز به وجود منحصر بفردی و برجستگی برای یک عنصر در بدل شدن به یک نشانه‌ی شهری، لازم است آن عنصر، معنایی مشترک را برای اکثر ساکنین شهر تداعی کند. هرنشانه به طور مسستقیم به ما مدلول متصل نمی‌شود، بلکه اینکار از طریق تفسیرگر صورت می‌پذیرد. در این میان مهم آن است که نشانه باید به وسیله اغلب تفسیرگران ساکنان به طور مشابه درک شود (صفایی منفرد، ۱۳۸۵ : ۲۸۱). برای آن که این اتفاق بیفتد، همان طور که در فرایند نشانه شدن یک عنصر ذکر شد، باید محرک دوم که می‌تواند مفهومی ذهنی یا کالبدی عینی باشد در ذهن اکثر کاربران یکی باشد. از این رو، هر قدر عنصری وجه اجتماعی بیشتری داشته و با طیف گسترده تری از ساکنین سر و کار داشته باشد و بتواند با نسل‌های مختلف شهروندان ارتباط برقرار کند؛ پتانسیل بیشتری برای انباشت لایه‌های مختلف خاطرات جمعی که عامل مهمی در شکل بخشی به دلالت مشترک میان شهروندان است - خواهد داشت. تناظر یافتن خاطرات با این عناصر یا فضاهای شهری، سبب معنادار شدن آن‌ها در ذهن شهروندان می‌شود. تنها محل ثبت این عناصر به عنوان نشانه، تصاویر ذهنی ساکنین از شهر است؛ بنابراین نقشه‌های شناختی که توسط ساکنین ترسیم می‌شود؛ می‌تواند منبع مناسبی برای بازشناسی نشانه از میان سایر عناصر فرم شهری باشد. بر این اساس، هر عنصری که دارای بیشترین تعداد تکرار در نقشه‌های شناختی باشد؛ ممکن است بیش از سایر عناصر شهری توانسته باشد جنبه‌ی اجتماعی یافته و لذا، در ذهن بیشتری از شهروندان، به عنوان یک عرصه اجتماعی پرخاطره و یک نشانه‌ی شهری شناخته شود. از عوامل تاثیر گذار دیگر در «دلالت مشترک میان شهروندان»، کاربری و قدمت تاریخی یک عنصر شهری است. با توجه به این که کاربری‌هایی عمومی گره‌ها، بناهای فرهنگی، مذهبی، درمانی، فضای سبز و نظایر آن با طیف گسترده تری از

ساکنین سر و کار دارند؛ پتانسیل بیشتری برای نشانه شدن در ذهن شهروندان نیز دارند. در همین حال، هر قدر زمان حضور یک عنصر در فضای شهری طولانی تر باشد؛ امکان بیشتری برای تبدیل شدن آن به یکی از عناصر ثابت و قابل اتکا در تصویر ذهنی نسل های مختلف یک شهر فراهم می شود. (خطیب زنجانی: ۴: ۱۳۸۶)

نتیجه گیری

در نتیجه گیری پایانی این مقاله باید گفت المانهای شهری عاملی موثر در هویت بخشی به شهر و فضاهای شهری می باشد که باید در انتخاب تناسب و فرم و محل قرارگیری آنها که از الزامات جانمایی المانها در شهر است استفاده بهینه نمود. نقش نور و نور پردازی در خوانایی المانها به خصوص مجسمه های شهری و همچنین رنگ امیزی های مناسب که اصولاً باید از رنگ های گرم و تند باشند در سرزندگی و خوانایی شهر و المانها بسیار موثر هستند. مجسمه ها و المانها باید همانطور که در این تحقیق مشخص شده بر روی گره های پر رفت و آمد و مهم شهر مانند چهار راه ها و پارک ها و پیاده راه های مهم نصب شود فضای های مکث در پیاده راه ها توجه به المانها را بسیار بالا میبرد که از این امتیاز در پارک ها و بلوارها میتوان استفاده نمود. استفاده از نظر مردم یک محل در نصب یا جانمایی یک المان در حفظ و هویت دهی به محله و مکان بسیار مهم می باشد. همانطور که شرح آن رفت حال برای اثر بخشی نقش المانهای شهری بر هویت شهری می توان به ارائه راهکارهای زیر پرداخت.

۱- استفاده از معماری به سبک شهرسازی سنتی جهت ارتقای حس هویت شهری در فضاهای شهری

۲- ترکیبی از معماری مدرن و سنتی به منظور ارتقای هویت شهری در طراحی المانهای

شهری

- ۳- استفاده از روح و خاطرات جمعی در ارتقای حس تعلق خاطر و غنای حسی به منظور ایجاد حس وحدت جمعی و کشاندن مردم به فضا‌های شهری
- ۴- استفاده از نظر جمعی برای انتخاب المانها در مناطق مختلف با توجه به رای اکثریت مردم ساکن آن منطقه
- ۵- جانمایی مناسب المانها در نقاط شهری
- ۶- استفاده از نور و رنگ در هرچه بیشتر نمایان ساختن المانهای شهری به خصوص در پارک‌ها و بلوارهای مهم شهری
- ۷- استفاده از مجسمه‌های شهری برای القا معانی مورد نظر در تناسب و مقیاس‌های استاندارد در اماکن پر رفت و آمد به خصوص نقاط کانونی مهم مانند جلوی مجتمعات تجاری و پارک‌ها
- ۸- پرهیز از استفاده از مصالح و موادی که از لحاظ اقلیمی با آن مکانها و مناطق سازگاری ندارند (مانند استفاده از سیمان که برای اقلیم‌های مختلف فرق میکند)
- ۹- برگزاری همایش‌ها و جشنواره‌ها مختلف (مانند نقاشی- مجسمه‌سازی- درخت‌کاری و...) در شهر برای اینکه بفهمیم مردم از چه نوع سبک معماری و المانی بیشتر استفاده میکنند و روحیه‌ی جمعی چه نوع المان و سبک را قابل قبول میداند.

منابع و مآخذ

- ۱- انصاری ابراهیم، ۱۳۹۰، جامعه شناسی شهری، چاپ اول، تهران، انتشارات جامعه شناسان
- ۲- ربانی رسول، ۱۳۸۱، جامعه شناسی شهری. دانشگاه اصفهان. انتشارات سمت
- ۳- اقا زاده احمد، ۱۳۸۵، اصول و قواعد حاکم بر فرایند تربیت شهروند و ویژگی های این گونه آموزش ها در کشور ژاپن
- ۴- اولیا، محمد رضا، پیشنهاد مدلی برای ترسیم گره در تزیینات وابسته به معماری اسلامی، پاییز ۱۳۹۴، نشریه ی معماری و شهر سازی شماره ۱۵،
- ۵- باقری شیدا، ۱۳۸۵، [عرضه های عمومی - عرضه های فراموش شده ی شهری. کتاب هویت شهر های جدید ایران. شرکت عمران شهر های جدید
- ۶- بارانی هانیه، ۱۳۹۲، نقش هویت در فضاهای شهری سایت، سیویلیکا
- ۷- بحرینی، سید حسین، ۱۳۸۸، فرایند طراحی شهری. تهران چاپ دوم وزارت مسکن و شهرسازی
- ۸- بیکن، ادموند، ۱۳۷۵ طراحی شهرها، ترجمه ی فرزانه طاهری، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران
- ۹- بهادران، سجاد، ۱۳۹۲، بررسی المان های سطح شهرکرد بر روی جا به جای دیواره، همایش ملی مهندسی عمران کاربردی، قابل دسترسی در سایت سیویلیکا
- ۱۰- بحرینی سید حسین، ۱۳۸۸، کتاب شهر سازی معاصر ناشر انتشارات دانشگاه تهران

- ۱۱- بمانیان علی، ۱۳۸۹ مقاله هنر در شهر سازی. اولین کنفرانس بین المللی معماری شهرسازی دانشگاه خوارزمی
- ۱۲- بهزاد فر مصطفی، ۱۳۸۷، محیط‌های پاسخ ده، ناشر انتشارات دانشگاه تهران
- ۱۳- پاکزاد جهان‌شاه، ۱۳۸۹، مبانی نظری و فرایند طراحی شهری، چاپ اول وزارت مسکن و شهرسازی
- ۱۴- پاکزاد جهان‌شاه، ۱۳۸۴، راهنمایی طراحی فضاهای شهری تهران، چاپ سوم وزارت مسکن و شهرسازی
- ۱۵- پور جعفر رضا، ۱۳۸۹، مقاله‌ی هویت شهری در معماری اسلامی قابل دسترس در سایت سیویلیکا
- ۱۶- پیرنیا محمدکریم، ۱۳۷۴، مکتب معماری اصفهان، ناشر انتشارات دانشگاه خواجه نصیر
- ۱۷- توسلی محمود، بنیادی ناصر، ۱۳۷۱، طراحی فضای شهری جلد اول تهران. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران
- ۱۸- توسلی، محمود، ۱۳۷۶، اصول و روشهای طراحی شهری و فضاهای مسکونی در ایران، جلد اول، چاپ ۴، انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی ایران



پروہشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی